



تشکل های منطقه ۵، در همبستگی بی سابقه هر شب در تجمع های انقلابی حضور می یابند

۵۰۴

# همه برای یک آرمان

عکس: فهیمه فرخی / شهر آرا

روایت خدمت مشترک بانوان محله آقامصطفی خمینی در کنج خانه زهرا خانم ظهری

همدلی یک محله  
در خیریه کوچک خانگی

۶



گله و شکایت ساکنان خیابان پورسینای ۵۰ از وضعیت آسفالت این معبر  
چاله ها، چالشی برای تردد

۳

سیف... حافظی از روزگار قدیم محله نیزه و کشاورزان آن می گوید  
خدایامرزی برای حاج محمدعلی

۷

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

### مسجد محله، مکمل آموزشی دانش آموزان

با تصمیم اعضای شورای اجتماعی محله نیزه و پیرو درخواست والدین، کلاس‌های رفع اشکال دروس دوره ابتدایی به میزبانی مسجد فاطمه الزهرا (س) محله نیزه برگزار می‌شود. این دوره‌ها که برای درس ریاضی متقاضی بیشتری دارد، مخصوص پایه چهارم تا ششم ابتدایی است و با حضور جمعی از معلمان مدارس محله در مسجد فاطمه الزهرا (س) دایر می‌شود.



### مساجد گلشهر، پایگاه آموزش امدادی

عطانی از ابتدای جنگ تحمیلی سوم، چندین جلسه آموزش کمک‌های اولیه در تعدادی از مساجد محلات گلشهر مانند مسجد قمرینی هاشم (ع)، جامع الهادی (ع)، صادق الائمه (ع)، امام زمان (عج) و مسجد النبی (ص) برگزار شده است و تاکنون بیش از دویست نفر از این کلاس‌ها استفاده کرده‌اند. مربیان این دوره‌ها از تیم خانه داوطلب هلال احمر شهیدآوینی هستند که در چهار جلسه، آشنایی با مخاطرات، پانسمان سوختگی‌ها، آتل بندی شکستگی‌ها و پانسمان زخم‌ها و جلوگیری از خون‌ریزی را آموزش می‌دهند. جلسات آموزشی آتی این گروه در محله مهدی آباد و روستای فرخ آباد برگزار خواهد شد.

### مهاجران افغانستانی در اتحاد با ایران

جمعی از تشکل‌های مهاجران افغانستانی در پی تجا و ز نیروهای صهیونی آمریکایی به جمهوری اسلامی ایران، ستادی را ایجاد کردند به نام «ستاد مردمی افغانستانی‌های مقیم مشهد».

یکی از برنامه‌های مهم این ستاد، برگزاری اجتماع بیعت با جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای بود که هفته پیش برگزار شد.

حضور جمعیت زیادی از مهاجران افغانستانی محلات گلشهر، این راهپیمایی را که از تقاطع بولوار امت و مفتوح محله کوی سلمان آغاز و به تقاطع شهید مفتوح منتهی شد، پررنگ کرد.



### آموزش امداد در شرایط جنگی

هفته گذشته، مسجد طاهار در محله سجاده، میزبان جلسه آموزشی کمک‌های اولیه در شرایط جنگی ویژه آقایان بود. در این دوره که به صورت تک جلسه‌ای برگزار شد، حدود ۱۲۰ نفر از شهروندان به ویژه نوجوانان و جوانان محله شرکت داشتند. مربیان این دوره از کارشناسان سازمان هلال احمر بودند و در این جلسه چهار ساعته مواردی مانند احیای بیمار، چگونگی پانسمان و انتقال مصدوم، مداوای بیماری که دچار شکستگی شده و چگونگی آتل بندی و تزریقات و... آموزش داده شد. دوره جدید این برنامه برای بانوان محله و در هفته جاری برگزار می‌شود.



### کسب رتبه اول در حوزه شهرسازی و درآمد

شهرداری منطقه ۵ در سال ۱۴۰۴ در حوزه شهرسازی و درآمد، حائز رتبه اول در مناطق سیزده گانه بود و موفق شد تعداد ۸۳۶ پروانه ساختمانی به متراژ ۸۲ هزار و ۱۰۴ مترمربع صادر کند. همچنین در حوزه صدور سایر مجوزات ساختمانی از جمله پایان کار، عدم خلاف و مفاصا حساب این منطقه موفق عمل کرد.

### آمادگی کامل با ۳ مرکز اسکان اضطراری

باتوجه به شرایط جنگی و ضرورت آمادگی برای بحران، شهرداری منطقه ۵ طبق دستورالعمل تعیین شده برای اسکان زائران آمادگی دارد. سه مرکز اسکان اضطراری در نظر گرفته شده شامل فرهنگ سرای امت، سوله مدیریت بحران شهید علیمردانی در محله حسین آباد و سالن ورزشی شهدای مدافع حرم در محله شهیدآوینی است.

### بهسازی ۱۵۸ مسجد طی ۵ سال

طبق اعلام شهرداری منطقه طی پنج سال گذشته برای ۱۵۸ مسجد در قالب طرح بهبود مساجد، اعتبارات ویژه بهسازی اختصاص یافته است. مساجد، کانون تجمع مردمی در محلات هستند و نقش مهمی در راهبری اجتماعات دارند. به همین منظور موضوع بهسازی این کانون‌های دینی همواره در دستور کار شهرداری منطقه قرار داشته است.

شهردار منطقه ۵ مشهد در اولین نشست ملاقات مردمی با ساکنان و ارباب رجوعان، از طرح ویژه توسعه فضای مسکونی در منطقه خبر داد.

حسین اکران با بیان این مطلب بیان کرد: ساخت بیش از چهار صد واحد مسکونی ارزان قیمت در محله ثامن در دستور کار است.

او در تکمیل این گفته بیان کرد: موضوع ساخت مسکن ارزان قیمت در محله ثامن مورد توجه قرار دارد و با استحصال زمینی با بیش از هفت هکتار در این راستا کام برداشته شده است.

اکران تصریح کرد: برای این منظور، اراضی بزرگ مالکان غفوری و خرم دل استحصال شده و احداث بیش از چهار صد واحد مسکونی در هشتاد قطعه پیش بینی شده است.

شهردار منطقه ۵ بیان کرد: موضوع اراضی یابوری به متراژ ۴۰۵ هکتار در راستای ساخت شهر انبارداری با بیش از هشتاد سوله با مشارکت بخش خصوصی نیز در حال پیگیری است.



شهردار منطقه ۵ در اولین نشست ملاقات مردمی خود از طرح ویژه توسعه منطقه خبر داد

**ساخت ۴۰۰ واحد**

**مسکونی**

**ارزان قیمت**

حالا خودش به یکی از دغدغه های روزمره مردم محله تبدیل شده است.

### ● زمین خوردن کودکان و سالمندان

مسیرم را به سمت کوچه های پورسینای ۵۰، ۷۵ و ۱۵۰ ادامه می دهم؛ کوچه هایی که انتظار می رود دست کم وضعیتی متفاوت داشته باشند، اما چندان فرقی با معبر اصلی ندارند. اینجا هم آسفالت فرسوده است و چاله ها با فاصله های نامنظم کنار هم نشسته اند. رقیه حسینی، یکی از ساکنان معبر ۵۰، ۲۵ از شرایطی می گوید که زندگی روزمره اهالی را تحت تأثیر قرار داده است. او با اشاره به جمعیت ساکن این کوچه توضیح می دهد: بخش زیادی از همسایه های ما سالمند هستند و رفت و آمد برایشان سخت و گاهی خطرناک می شود.

این وضعیت، به گفته او، نه تنها برای سالمندان، بلکه برای کودکان و نوجوانان هم دردسرساز شده است. او ادامه می دهد: چندبار پسرم هنگام دوچرخه سواری به دلیل ناهمواری مسیر زمین خورده و آسیب دیده است.

### ● آسفالت خیابان پورسینای ۵۰؛ در فهرست اولویت های اجرایی

در ادامه پیگیری ها، گله ها و مطالبات اهالی فرعی های خیابان پورسینای ۵۰ را به گوش رئیس ناحیه ۲ منطقه ۶ شهرداری مشهد می رسانیم. سید مجید پورحسینی می گوید مشکل آسفالت، فقط محدود به پورسینای ۵۰ نیست و در سطح منطقه، معابر متعددی با چنین شرایطی شناسایی شده اند.

او با تأیید وضعیت نامناسب این خیابان توضیح می دهد که پورسینای ۵۰ در فهرست اولویت های اجرایی قرار گرفته و رسیدگی به آن در برنامه کاری شهرداری است. به گفته او، تعداد زیاد معابری که نیاز به لکه گیری و روکش آسفالت دارند، باعث شده است روند رسیدگی به صورت مرحله ای انجام شود.

رئیس ناحیه ۲ در ادامه به یکی از موانع فعلی اشاره می کند: باتوجه به شرایط فعلی، کارخانه آسفالت تعطیل شده است و در حال حاضر امکان تأمین آسفالت وجود ندارد و همین موضوع اجرای پروژه ها را متوقف کرده است. با این حال به محض آغاز به کار دوباره کارخانه، عملیات لکه گیری و آسفالت این معبر در دستور کار قرار خواهد گرفت.

با وجود این وعده، اوزمان مشخصی برای شروع عملیات اعلام نمی کند.



### ● مصائب چاله های ریز و درشت

کوچه باریک و طولانی است و ناهموار. چاله های ریز و درشت هم در گوشه و کنار آن دیده می شود. عباس پیوندی که یکی از ساکنان قدیمی محله است، از جزئیات مشکلاتی که این آسفالت ناهموار به وجود آورده، می گوید: به دلیل وجود این چاله ها برف و باران که می آید، همه جا آب جمع شده و رفت و آمد سخت تر از همیشه می شود. موقع رفت و آمد در روزهای بارانی لاستیک ماشین ها در چاله های پر آب می افتد و لباس عابران تا به خانه برسند، خیس می شود.

مشکل اما فقط به روزهای بارانی ختم نمی شود. به گفته این ساکن محله، وضعیت آسفالت در دسره های دیگری هم برای اهالی ایجاد کرده است: «برای ما ساکنانی که در انتهای این خیابان طولانی سکونت داریم، اوضاع سخت تر هم هست. هر بار در این رفت و آمدها با ماشین، جلوبندی ماشین آسیب می بیند.» دیگر ساکنان محله هم با او هم نظر هستند و همین گله ها را مطرح می کنند؛ گلایه از معبری که قرار بوده راه را هموار کند، اما

گله و شکایت ساکنان خیابان پورسینای ۵۰ از وضعیت آسفالت این معبر

## چاله ها چالشی برای تردد

نیکو عقیده | به محض ورود به خیابان پورسینای ۵۰، اولین چیزی که جلب توجه می کند، وضعیت نامناسب آن است. چاله های ریز و درشت و ناهمواری ها چهره محله را نازیبا کرده است. ماشین ها هر لحظه مجبورند بین دست اندازها پیچ و تاب بخورند و عابران هم با احتیاط قدم برمی دارند. اینجا یکی از کوچه های پر جمعیت و پر رفت و آمد محله پورسینا هم هست و روزانه ده ها خودرو و عابر از آن عبور می کنند و همین، مشکلات مردم را دوچندان کرده است. اما این تنها خیابان محله نیست که چنین وضعیتی دارد؛ وضعیت دیگر معابر فرعی محله هم به همین شکل است و اهالی از این شرایط گلایه دارند.



هم قدم



نگاهی به بازخورد گزارش های چاپ شده سال گذشته در شهرآرامحله منطقه ۶

## روایتگر مطالبات مردمی



بازخورد



مسئولان مدرسه سردار شهید قاسم سلیمانی و اهالی محله انصار همیشه از مشکلات زمین خالی روی این مدرسه شکایت داشتند. این زمین به معضلی برای اهالی تبدیل شده و پاتوق معتادان و متجاهران شده بود. قرار بود آستان قدس، اطراف زمین را با نیوجرسی محصور کند. دو هفته بعد از انتشار گزارش، این نیوجرسی ها روی زمین قرار گرفت.

چاپ ۱۲ آبان



۵ خرداد سال گذشته، از بسته ماندن در بوستان بانوان نصرت نوشتیم و از بانوانی گفتیم که در آن شرایط، دست از ورزش نکشیده بودند. سرانجام در تیرماه، بوستان بانوان نصرت با حضور استاندار، شهردار، اعضای شورای شهر و جمعی از مدیران شهری به عنوان یک بوستان جدید با تجهیزات و امکانات نوافتتاح شد.

چاپ ۵ خرداد



دهم آذر از خانه ای متروکه و مخروبه در انتهای موعود ۳۴ نوشتیم؛ خانه ای که تبدیل به پاتوق معتادها شده بود. تا فاصله انتشار گزارش، با پیگیری های انجام شده، مالک، یک در فلزی در ورودی کوچه باریکی که به این زمین منتهی می شود، نصب کرد تا دیگر امکان ورود به این زمین وجود نداشته باشد.

چاپ ۱۰ آذر



هشتم دی ماه بنا به درخواست اهالی منطقه، گزارشی درباره فرسودگی کف پوش و خاموش بودن آسانسورهای پل هوایی پرتردد غدیر در نزدیکی ایستگاه قطار شهری غدیر منتشر کردیم؛ پلی که عابران برای عبور از آن احساس خطر می کردند. سرانجام در پایان سال، شهرداری منطقه ۷، از تعمیر تمام و کمال کف پوش پل خبر داد.

چاپ ۲۵ اسفند

نیکو عقیده | هفته نامه «شهرآرامحله منطقه ۶» در سال ۱۴۰۴، همچون سال های گذشته، با رویکردی پیگیرانه، صدای رسای اهالی محلات مختلف منطقه بود. این نشریه با انتشار گزارش های مستند و بموقع، نه تنها مشکلات و چالش های موجود در محلات منطقه ۶ را بازتاب داد، بلکه با پیگیری های مستمر و انعکاس درخواست های مردمی به گوش مسئولان، در رفع بسیاری از این موانع و بهبود کیفیت زندگی شهروندان نقش مؤثری ایفا کرد. در ادامه، مروری بر این بازتاب ها خواهیم داشت که نشان دهنده تلاش این نشریه در راستای اعتلای منطقه ۶ است.

تشکل های منطقه ۵، در همبستگی بی سابقه، هر شب در تجمع های انقلابی حضور می یابند

## همه برای یک آرمان



داستان جلد

سید محمد عطائی از حدود ساعت ۷ عصر تا نیمه شب در هر کوچه و خیابانی از محلات منطقه ۵ که گذر کنیم، چشممان به تجمعی از اهالی انقلابی روشن می شود با افرادی که با پرچم به سمت تجمع محله شان می روند. فرقی نمی کند هوا سرد باشد یا گرم، بارانی باشد یا برف. وقتی در دلت تعهدی داری باید پای آن بایستی، درست همانند کاری که هم محلی های مادر این منطقه برای اعلام حمایت از رزمندگان و یاد شهدای این جنگ تحمیلی به ویژه رهبر معظم شهید انجام می دهند.

### محله امیرالمؤمنین (ع)

#### پرونی با حضور بچه ها

میان خیابان شهید یعقوبی محله امیرالمؤمنین (ع) محل تجمع اهالی است. یک غرفه بزرگ در حاشیه خیابان دایر شده که با حضور بچه ها پر رونق است. خصوصیت این تجمع رومی توان حضور بچه های نوجوان در همه قسمت ها دانست، از انتظامات گرفته تا پذیرایی، راهنمایی و حضور در گروه های سرود و دکلمه خوانی و نمایش. زهراکاریزی، فعال فرهنگی محله، می گوید: سعی کردیم در همه بخش ها از حضور بچه های نوجوان استفاده کنیم. این خودش نوعی کار فرهنگی است که باعث می شود از همین حالا انقلابی بزرگ شوند.

معصومه مرتضوی، مسئول هیئت مادر و کودک «یوسف زهرا (س)»، می گوید: باتوجه به فرمایش رهبر شهید که از ما خواسته بودند تو جهمان راه تربیت کودکان و نوجوانان معطوف کنیم، هدف ما هم از برگزاری این مراسم، تربیت فرهنگی کودکان در جهت ظهور آقا امام زمان (عج) است.

#### چای خانه بی ریای خانگی

دور تا دور حیاط خانه اش را بانماد های پرچم، تصاویر نمادها و رهبران جمهوری اسلامی ایران تزیین کرده است. چند سماور بزرگ در حیاط می جوشند و قوری های بزرگ هم لب به لب چای دم کرده دارند. ردیف استکان ها آماده پذیرایی از حاضران در تجمع است. اینجامنزل روح... رضایی در خیابان شهید یعقوبی ۲۲ محله امیرالمؤمنین (ع) است؛ کسی که خانه اش را تبدیل به چای خانه کرده و همراه دو فرزند نوجوانش، هر شب میزبان چند صد نفر هستند.

روح... می گوید: رزمندگان مادران برای مقابله با دشمن صهیونی آمریکایی از جانشان مایه می گذارند؛ در مقابل این کمترین کاری است که من و خانواده ام می توانیم انجام دهیم.

### محله مهدی آباد

#### اتحاد و همدلی در تجمع مهدی آبادی ها

محله مهدی آباد شامل چند بخش عباس آباد، حجت آباد، مهدی آباد، امام علی (ع) و روستاهای اطراف مثل فرخ آباد است. میان فعالان فرهنگی این محدوده، همیشه تفاوت هایی وجود داشته که باعث می شده هر کدام در هیئت و تشکل خودشان، مستقل فعالیت داشته باشند؛ اما تجمعات خیابانی حمایت از رزمندگان اسلام باعث وفاق و همدلی بیشترشان شده است.

طیبه زینعلیان می گوید: مادر محدوده عباس آباد هر شب مقابل مسجد ابوالفضل جمع می شویم و جمعیت زیادی هم در محدوده حجت آباد مقابل مرکز بهداشت شهید جعفرزاده تجمع می کنند. یاما به سمت آن ها پیاده روی می کنیم یا آن ها به مالمحلق می شوند و هر دو جمعیت با هم در مسیری راهپیمایی داریم. یک شب به سمت پورسینا و شب دیگر به سمت روستای فرخ آباد یا محله دیگری در این محدوده می رویم. این اتفاقات باعث همدلی بیشتر اهالی شده است. آمنه جونابادی، یکی از فعالان فرهنگی خیابان مهدی آباد، می گوید: ما هر شب در مقابل مرکز بهداشت شهید جعفرزاده جمع می شویم و مراسم پرچم گردانی و پخش کلیپ های حماسی با ویدئو پروژکتور داریم. این تجمعات سبب خیر شده است؛ چون پیش از این، هر بخش از محله، به طور مستقل برای خودش مراسم داشت. اما در حال حاضر تشکل های محدوده امام علی (ع)، حجت آباد و مهدی آباد در این مکان با هم مشارکت می کنند. حتی ساکنان مهاجر افغانستانی و هم محلی های اهل سنتمان هم در این مکان همراه ما هستند.

### محله مهرآباد

#### رونق بیشتر صفوف نماز جماعت

مهرآبادی ها در چند نقطه محله تجمع می کردند، اما چند سببی است که همگی با هم در زمین خالی ابتدای محله جمع می شوند. اینجا چندین غرفه راه انداخته و به کارهای فرهنگی و پذیرایی از

تجمع کنندگان مشغول اند. سید رضا حسینی، رئیس شورای اجتماعی محله مهرآباد، می گوید: از طریق قرارگاه جهادی امیرالمؤمنین (ع) محله به همه مساجد، هیئات، پایگاه های بسیج و تشکل های دیگر اطلاع دادیم و همگی قرار گذاشتیم که در یک مکان واحد تجمع کنیم. هر تشکل هم یک وظیفه بر عهده دارد. او معتقد است که این تجمعات باعث نزدیکی بیشتر نوجوانان و جوانان به مساجد محله شده است. حسینی می گوید: صفوف نماز جماعت مساجد محله بیشتر شده است و اکثر آن ها هم نوجوانان و جوانان هستند. به نظر من، این به برکت خون رهبر شهیدمان است که باعث همدلی بیشتر مردم شده است.

#### پرچم گردانی در گلوگاه بولوار حر

اهالی محدوده خدر بیگ محله مهرآباد هم مکان خاصی را برای تجمع انتخاب کرده اند. آن ها هر شب زیر پل شهید عباسپور در ابتدای بولوار حر جمع می شوند. صادق کوهسرخ، مسئول این تجمع، می گوید: برای اهالی محله خدر بیگ سخت بود که هر شب خودشان را به تجمع مهرآباد برسانند؛ از طرفی اینجا هم نقطه پراهمیت و پرترددی بود؛ برای همین در گروه های محلی اعلام کردیم و خوشبختانه با حضور خوب مردم تجمع باشکوهی شکل گرفت. اومی گوید: هر چند که هوا اینجا سرد، رفت و آمد زیاد و تأمین امنیت آن مشکل است، اما به نظر ما این تجمع باید در جایی برگزار شود که اثرگذاری بیشتری داشته باشد و اینجا خیلی پررفت و آمد است.

طیبه جمعه پور حدود هفتاد سال سن دارد و به دلیل پادردش روی صندلی کنار پایه پل می نشیند. پرچم در دست دارد و در این هوای سرد، دائم آن را تکان می دهد. اومی گوید: الان چهل شب است که به اینجامی آیم. فقط یک شب نیامدم؛ آن هم به خاطر اینکه روزش به زیارت امامزاده میامی رفته و خسته شده بودم. آن شب خواب رهبر شهیدمان را دیدم. بعد از اینکه از خواب بیدار شدم، عهد کردم که دیگر حتی یک شب هم حضور در تجمع را از دست ندهم.



## محلۀ جلالیه

### ثبت روزهای حماسی

اهالی جلالیه چهارراه ولایت را برای تجمع انتخاب کرده اند؛ مکانی که این شب‌ها به باتوق فرهنگی محلۀ تبدیل شده است. زهرا توکلیان حقیقی، یکی از مسئولان این تجمع، می‌گوید: ما از شب شهادت حضرت آقا، تجمع را آغاز کردیم. حالا اینچارونق خوبی گرفته است و هر شب علاوه بر پرچم گردانی، سخنرانی، غرفه بازی کودکان و غرفه پذیرایی هم داریم. ما این تجمع را تا شکست و عقب نشینی دشمن صهیونی آمریکایی ادامه خواهیم داد.

نازنین زهراجهان دادی در غرفه پذیرایی مشغول چای ریختن برای مردم است. اومی گوید: به خاطر ملت ایران و خدمت به تجمع کنندگان هر شب به اینجای می‌آیم و از شوق این کار اصلا احساس خستگی نمی‌کنم.

حبیبه سمیعی دانشجوی فعالی است که در این جمع، خبرنگار محلی است. اومی گوید: می‌خواهم اتفاقات این روزها را ثبت کنم تا در آینده کسی نتواند انقلابی بودن این مردم را انکار کند.

هانیه جوانمرد هم فارغ‌التحصیل کارشناسی رشته حقوق است و در این تجمع با حاضران برای کانال محلۀ مصاحبه می‌کند. اومی گوید: شب اول تجمع صد مصاحبه با اقشار مختلف محلۀ در سنین مختلف انجام دادم و این مصاحبه‌ها را در کانال محلۀ منتشر کردم؛ بماند به یادگار برای ثابت کردن اتحاد مردم.



## محلۀ رضاییه

### وحدت و همدلی در «وحدت»

اهالی محلۀ رضاییه هر شب در ابتدای خیابان وحدت ۱۲ تجمع می‌کنند؛ دورهمی بی‌ریایی که در دوسوی خیابان مقابل هم برگزار می‌شود. علی اصغر زارع زاده، فعال فرهنگی این محلۀ و حاضر در جمع، می‌گوید: ما با فعالان مساجد امام هادی<sup>(ع)</sup> و موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> در آن سوی خیابان در مراسم مذهبی مثل ایام محرم و صفر همکاری می‌کنیم. در حال حاضر هم در دوسوی خیابان تجمع تشکیل داده ایم. از سوی دیگر، این محل به بولوار وحدت مشهور است و نزدیک مسجد جامع حنیفی قرار دارد. همشهریان اهل سنت ما هم در این تجمع حاضر شده اند تا وحدت را به معنی واقعی کلمه نشان بدهند.

## محلۀ نیزه

### دانش آموزان محلۀ پای کار

چای خانه امام رضا<sup>(ع)</sup> نبش خیابان شهید آوینی ۴۸ در محلۀ نیزه هر شب جمعه فعال است. اما با تهاجم نیروهای صهیونی آمریکایی این مکان تبدیل به تجمع هر شب اهالی محلۀ شده است. هادی مولایی، از مسئولان این تجمع، می‌گوید: ابتدا ای تهاجم دشمن به خاک ایران عزیزمان، مردم انقلابی محلۀ نیزه برای شرکت در تجمع به محل فلکۀ دوم گلشهر یا ابتدای بولوار شهید آوینی می‌رفتند ولی به ما اعلام کردند که مسیر دور است و مکان تجمعی در محلۀ می‌خواستند. ما هم فراخوان دادیم و همه تشکلهای محلۀ پای کار آمدند و تجمع خوبی به راه افتاد و با حضور مردم پر رونق شد.

زمانی که برای تهیه گزارش آمدیم، مصادف شده است با اجرای ویژه برنامه‌ای برای چهلم شهادت رهبر انقلاب و دانش آموزان مدرسه میناب. چند صد دانش آموز از مدارس محلۀ بالباس فرم مدرسه و کولۀ پشتی در این مکان حاضر شده اند.

حانیه میرشکار، دانش آموز دبستان هاجر ۹ سال دارد و برای شهادت میناب، دکلمه‌ای زیبای خواند که شروعهش این گونه است: فرشتگانی بودند در مدرسه‌ای به نام شجره طیبه. هر کدام از آن‌ها آرزوی داشتند. هر کدام از آن‌ها می‌توانستند انسان‌های موفقی برای ایران باشند....

نگین برهانی و نرگس ذوالفقاری دانش آموزان کلاس پنجم دبستان هاجر هستند که چای خانه را اداره می‌کنند. با همین سن و سال کم صفر تا صد کار را بر عهده گرفته اند و از شستن استکان‌ها تا دم کردن و ریختن چای را بر عهده دارند. نرگس می‌گوید: شوق و ذوق خدمت به مردم باعث می‌شود اصلا خسته نشویم.



## محلۀ شهید آوینی

### کار خوب مردمی

یکی از پر رونق ترین تجمعهای مربوط به محلۀ شهید آوینی است. خیابان شهید آوینی ۵، مکان این تجمع، هر شب با حضور چندین هزار شرکت کننده مملو از جمعیت می‌شود. سید احمد بنی الزهراء، یکی از مسئولان این برنامه مردمی، می‌گوید: محدوده گلشهر در اغتشاشات چند ماه قبل هم کاملا آرام و امن بود. این نشان می‌دهد اهالی این محدوده، انقلابی و پایبند به اصول جمهوری اسلامی ایران هستند. با فراخوان ماهمین مردم انقلابی هر شب، تجمع ما پر رونق ترمی کنند. همه تشکلهای گروه‌های محلۀ با تمام توان در این کار مردمی کنار هم ایستاده اند و با همکاری و اتفاق نظر تجمع را پیش می‌بریم.

امشب در این تجمع ویژه برنامه‌ای خاص در نظر گرفته شده است و آن تابوت گردانی نمادین دانش آموزان شهید مدرسه میناب است. فاطمه نظام دوست، مسئول بانوان پهنه شهید عصمتیان، می‌گوید: مادر این تجمع، غرفه و بخش خاصی برای پاسداشت شهیدای مدرسه میناب در نظر گرفتیم که در آن، علاوه بر تابوت‌های نمادین، تصاویری از چهره این شهدا را به نمایش گذاشتیم.

مریم مدبری، مدیر دبستان پاسداران محلۀ، با همراهی معلمان و تعداد زیادی از دانش آموزان این مدرسه، هر شب در تجمع حاضر می‌شود. او درباره نمایشگاه نقاشی دانش آموزان در حاشیه این برنامه می‌گوید: از بچه‌ها خواستیم که با موضوع شهیدای میناب نقاشی بکشند. از بین نقاشی‌ها تعدادی را انتخاب کردیم و اینجابه نمایش گذاشتیم که با استقبال خوب حاضران روبه رو شده است.

او ادامه می‌دهد: مهم ترین موضوع در این تجمع، همدلی و همراهی همه تشکلهای هادر برگزاری مراسم است. همین نکته باعث می‌شود که تجمع مردمی ما دل نشین تر شود.



## محلۀ ثامن

### راهپیمایی شبانه ثامنی‌ها

تجمع محلۀ ثامن هر شب از ابتدای خیابان شهید آرمون ۲۲ شروع می‌شود. اهالی با جمعیتی در خورا ابتدا مراسم پرچم گردانی و شعار حماسی دارند، سپس به سمت فلکۀ دوم گلشهر راهپیمایی می‌کنند. حجت الاسلام والمسلمین سید احمد موسوی، یکی از مسئولان این تجمع، می‌گوید: علاوه بر جمعیت شایان توجهی که در این مکان جمع می‌شوند، در مسیر رسیدن به فلکۀ دوم نیز مردم بیشتری در خیابان سخاوت به ما ملحق می‌شوند.

این فعال فرهنگی ادامه می‌دهد: در فلکۀ دوم نیز بعد از شعار دادن و پرچم گردانی، به سمت فلکۀ آخر گلشهر راهپیمایی می‌کنیم. ما می‌خواهیم از این طریق اتحاد و همبستگی مردم را در خیابان‌های اصلی گلشهر به رخ دشمنان بکشیم.



## محلات حسین آباد، سجادیه و کوی سلمان

### همه برای یک هدف

اهالی سه محلۀ حسین آباد، سجادیه و کوی سلمان در اتحادی بی نظیر، مکان واحدی را برای تجمع انتخاب کردند. این موضوع باعث شده است برنامه پر شور تر باشد. محل تجمع این جمعیت میدان شهید مفتاح است. علی اسماعیل پورطرقی، رئیس شورای اجتماعی محلۀ حسین آباد، درباره این اقدام هماهنگ می‌گوید: ما چهار مسیر راهپیمایی در این محدوده مشخص کردیم که همگی به میدان شهید مفتاح ختم می‌شود. اینجا هم هر شب برنامه خاصی در نظر می‌گیریم که شامل قرآن خوانی، مداحی، پرچم گردانی و شعار دادن است.

این تجمع در شب چهلم رهبر معظم شهید در برنامه‌ای باشکوه از بولوار امت به سمت حرم مطهر راهپیمایی کرد. طیبه مرادیان، از شرکت کنندگان این برنامه، همراه پسر خردسالش، ابوالفضل، با پرچم‌هایی در دست، شعار «مرگ

بر ترامپ، سر می‌دهد. او ادامه می‌گوید: اگر یک شب در تجمع حاضر نشوم، انگار چیزی کم دارم و بی قرار می‌شوم. این کمترین کاری است که از دستمان برمی‌آید تا رزمندگان در همه جبهه‌ها، چه آن‌هایی که پشت لانه‌ها هستند و چه آن‌هایی که در تنگه‌ها رزم را در اختیار دارند، قوت قلب بیشتری بگیرند.

روایت خدمت مشترک بانوان محله آقامصطفی خمینی، در کنج خانه زهرا خانم ظهیری

## همدلی یک محله در خیریه کوچک خانگی

راه تجربه



سحر نیکو عقیده می‌توان اثر فعالیت هایش را در بیشتر اتفاق‌های خوب محله پدید آورد. مراسم مسجد به لطف او با برجا مانده، کلاس‌های طرح ترنم زندگی و برنامه‌های فرهنگی محله با پیگیری‌های او برگزار می‌شود و... خلاصه هر جای محله آقامصطفی خمینی سر بچرخانی، رد و نشانی از فعالیت هایش پیدا می‌کند. طوری که در محله حالا کمتر کسی هست که زهرا ظهیری را نشناسد. اما مهم‌ترین فعالیتش راه‌اندازی خیریه‌ای کوچک در انباری گوشه حیاط خانه‌اش است. او بخشی از خانه‌اش را به این کار اختصاص داده است؛ فضایی که قبلاً آرایشگاه او بوده و خانم‌های محله به آن مراجعه می‌کردند اما حالا همان خانم‌ها اینجا کنار زهرا خانم لوازم و بسته‌های معیشتی را آماده می‌کنند.

همسر او، حسن محمد رضایی که روزی راننده تاکسی بوده، از اعضای پای کار این خیریه محلی است. او بی‌چشمداشت بسته‌ها و اقلام را به دست نیازمندان می‌رساند و حتی تاروستاهای دور و نزدیک هم می‌رود.

### ● ○ پر از شور زندگی

فضای اتاق مساحت زیادی ندارد اما پر از شور زندگی است. از همان در ورودی، شلوغی فضا به چشم می‌آید. لباس‌ها و پارچه‌های منجوق دوزی، ظروف پلاستیکی رنگی، عروسک‌های کوچک پارچه‌ای و...

زهرا ظهیری حدود پنج سال است که واسطه خیران و ضعفاشده و حالا همه او را به عنوان معتمد و خیر محله می‌شناسند. او هر ماه این کالاها را جمع می‌کند و به دست نیازمندان می‌رساند. وسایل از سوی مردم و خیران می‌رسد و زهرا خانم با حوصله، آن‌ها را مرتب می‌کند تا به دست افراد مستمند برساند. اما چه شد که همه زندگی‌اش با کار خیر گره خورد؟

متولد سال ۱۳۵۵ است و سی سال پیش، پس از ازدواج به این محله نقل مکان کرد. همان سال اول عضو پایگاه بسیج محله شد و تحت تأثیر خانم‌ها و همسایه‌های فعال او هم پای کار آمد: «این محله با محله‌های دیگر فرق دارد. همسایه‌ها با هم آشنا تر هستند و دغدغه بیشتری دارند و برای دستگیری از دیگران بیشتر پای کارند.»

### ● ○ تبدیل آرایشگاه به پایگاه محلی

مسجد حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup>، مسجد فاطمه الزهرا<sup>(س)</sup> و مسجد المهدی<sup>(ع)</sup>؛ در هر سه مسجد محله فعال است. اما شروع فعالیت

او با مسجد حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup> بوده است. او در این مسجد، عضو پایگاه بسیج می‌شود و در خیریه ام‌البنین<sup>(س)</sup> که در این مسجد بوده است، فعالیت می‌کند؛ «در این خیریه با خانم‌ها سید معیشتی درست می‌کردیم، اقلام را تاروستاها می‌بردیم، برای نو عروس‌ها جهیزیه آماده می‌کردیم و خلاصه صبح و شب درگیر فعالیت‌ها بودیم اما مدتی بعد این خیریه از این محله رفت.»

خانم‌های محله که دوست نداشتند فعالیت‌های محلی متوقف شود به زهرا خانم پیشنهاد کردند که آرایشگاه گوشه حیاطش را به پایگاه فعالیت‌های محله تبدیل کند؛ «چند سالی بود که مدرک آرایشگری گرفته بودم و به خانم‌های محله خدمات زیبایی ارائه می‌دادم اما با پررنگ‌تر شدن فعالیت‌های جهادی، این کار را رها کرده بودم. با پیشنهاد همسایه‌ها و وسایل آرایشگاه را جمع کردم و این‌جا را تبدیل به یک پایگاه کوچک محلی کردم.»

### ● ○ بررسی اقلام با کمک همسایه‌ها

سال (۱۴۰۱) با راه‌اندازی این پایگاه فعالیت‌های او پررنگ‌تر هم می‌شود و خیریه جهادی صاحب‌الزمان<sup>(ع)</sup> را در سازمان تبلیغات به ثبت می‌رساند. به واسطه این فعالیت‌ها حالا نام او برای خیران شهر، نامی آشناست. شماره‌اش میان گروه‌های نیکوکاری و مردم دست به دست می‌شود. از ابتدای هفته، وسایل اهداشده کم‌کم

می‌رسند؛ کیسه‌های لباس، بسته‌های خوراکی، گاهی هم لوازم خانه. آخر هفته، نوبت توزیع است. زهرا خانم می‌گوید: همه کارها را تنهایی نمی‌شود انجام داد. یکشنبه‌ها روز بسته‌بندی و درجه‌بندی اقلامی است که به دستمان رسیده. در این پایگاه دور هم می‌نشینیم و اقلام را با همسایه‌ها بررسی می‌کنیم. اقلام و لباس‌های نو برای جهیزیه مناسب هستند. خوراکی‌ها هم در بسته‌های معیشتی قرار می‌گیرند. خیلی از اجناس حتی کیفیت حداقلی هم ندارند و دور ریخته می‌شوند.

در بخش توزیع، اما پای همسرش هم در میان است. او بارها همراهش شده است. به گفته زهرا خانم همسرش حالا بزرگ‌ترین پشتیبانش هم هست. با لبخند می‌گوید: خیر و برکتش را در زندگی مان دید. حالا خودش هم با دل و جان کمک می‌کند. حسن محمد رضایی راننده است و پنجشنبه‌ها و وسایل را بار می‌زند و به نقاط مختلف شهر و حتی روستاهای اطراف می‌برد.



### ● ○ تقویت پیوند همسایگی

در این پایگاه این بستر را برای فراهم کرد. او فعالیت هایش را این طور توضیح می‌دهد: اول هفته به پایگاه می‌آیم و اقلام را بررسی و درجه‌بندی می‌کنیم. گاهی لباس‌ها نیاز به شست و شو دارند و ما خانم‌ها آن‌ها را به خانه می‌بریم و می‌شویم. اکرم مشکینی یکی دیگر از اثرات شرکت در این فعالیت‌ها را هم این طور بیان می‌کند: زهرا خانم باعث شده است ما کنار هم باشیم و هر ماه کاری مشترک انجام دهیم. پیوند همسایگی ما تقویت شده است و حالا همه مثل یک خانواده‌ایم.

### ● ○ لبخند نو عروس‌ها

خیریه صاحب‌الزمان<sup>(ع)</sup> سی نفر تحت پوشش دارد و اعضای آن تا به حال برای ۲۲ عروس جهیزیه آماده کرده‌اند. زهرا خانم می‌گوید کارها سنگین است اما با دیدن لبخند نو عروس‌ها همه خستگی‌ها از تنش بیرون می‌رود. او توضیح می‌دهد که علاوه بر فعالیت‌های این خیریه، او از سه سال پیش، رابط فرهنگی مسجد هم شده و

### ● ○ لبخند نو عروس‌ها

با کمک همسرش که عضو هیئت امنای مسجد المهدی<sup>(ع)</sup> است، فعالیت‌های مسجد را هم به دست گرفته‌اند. با پیگیری‌های او تا به حال کلاس‌های طرح «ترنم زندگی» در این مسجد برای بانوان و برنامه اعتکاف برای دختران نوجوان محله برگزار شده است. در ماه رمضان هم در راستای پویش افطاری ساده، جلو مسجد به توزیع چای و خرما پرداخته‌اند.





سیف... حافظی از روزگار قدیم محله نیزه و کشاورزان آن می گوید

## خدا بیا مرزی برای حاج محمد علی



صندوق  
خاطرات

پاسگاه انتظامی اول گلشهر، زمین های طاهر احمدزاده بود و بقیه زمین ها متعلق به حسن شایگی، شایگی، ارباب اینجا و ده روستای دیگر بود. او ساختار ارباب و رعیتی را بخشی از واقعیت زندگی آن دوران می داند؛ ساختاری که کشاورزی و روابط اجتماعی مردم را شکل می داد. آقاسیف... با حسرت درباره آب فراوان مورد نیاز کشاورزی در آن دوره می گوید: آن زمان آب برای کشاورزی زیاد بود. اینجا هم قنات داشت، هم دو تا چاه. در اصل، انتهای این روستا یک اولنگ بود؛ جایی که نی در آن سبز می شد و معمولاً نیزار بود. بعد هم می گوید که زمین همیشه مرطوب بوده است و گویا کافی بود یک پاییل خاک بردارند تا آب در آن گودی بیرون بزنند.

### ● پول زمین، خرج راه مردم

در کنار این خاطرات، مهم ترین روایت او به تصمیمی برمی گردد که مسیر محله را تغییر داد. آقاسیف... تعریف می کند: نزدیک محل فعلی ابتدای خیابان شهید آوینی ۱۶، زمینی تپه مانند بود که در آن، کشاورزی هم نمی شد. این زمین متعلق به مرحوم حاج محمد علی نصراللهی بوده که حدود پنجاه سال پیش، آن را به شهرداری واگذار کرد. حاج محمد علی در ازای واگذاری زمینش پول نخواست؛ به جای آن قرار شد مسیر اول گلشهر تا آخر روستای نیزه آسفالت شود. این هم شد خدا پدر بیا مرزی اش.

یا جابه جایی سبزی باریشه استفاده می شده است. آقاسیف... یاد روزهایی می افتد که همگی افراد روستا، چه مرد و چه زن، مشغول کاری دسته جمعی بودند؛ می گوید: روزی که ماشین بار می آمد، همه می رفتیم چغندر کنی، کوچک و بزرگ و زن و مرد نداشت. کار جمعی بود و باید سریع تمام می شد.

### ● یک پاییل تا رسیدن به آب

این ساکن قدیمی، گستره زمین های منطقه را با دقت به خاطر دارد. او می گوید: از محدوده شهید آوینی ۳۳ تا عیش آباد، اراضی به روستای نیزه تعلق داشت. و زمین ها بیشترشان متعلق به دو ارباب بود. از سر سه راهی شهید آوینی ۱۶ تا



سید محمد عطائی سیف... حافظی از معدود ساکنان حال حاضر محله نیزه است که تصویر واضحی از روزگار کشاورزی این محدوده در ذهن دارد. او سال هایی را به یاد می آورد که نیزه هنوز روستا بود. زمین ها زیر کشت قرار داشتند و راه ارتباطی این محدوده، فقط مسیرهای خاکی بود.

آقاسیف... با نگاهی آرام و صدایی که خستگی سال ها کار را در خود دارد، از روزگاری می گوید که آب فراوان بود. کشاورزی محور زندگی مردم به شمار می آمد و تصمیم یک آدم دلسوز، مسیر توسعه محله را برای همیشه تغییر داد.

### ● زندگی میان زمین های کشاورزی

آقاسیف... با یک اورکت سبز قدیمی و عصایی در دست، قدم به قدم و آرام خودش را به حاشیه معدود زمین های کشاورزی و بایر محله نیزه می رساند. او با حافظه هشتاد و پنج ساله اش همان اول از گذشته روستای نیزه یاد می کند و می گوید: تمام این زمین ها را چغندر، گندم و سبزی می کاشتند. کشاورزی فقط شغل مردم نبود، بلکه شکل زندگی آن ها را تعیین می کرد. مردان و زنان در کنار هم روی زمین کار می کردند.

اوسپس به نقش مهم زنان اشاره می کند: «زنان روی زمین کار می کردند و دست خومی زدند.» او توضیح می دهد که دست خو، ابزاری ساده شبیه بیلچه بوده که برای شیار دادن زمین

نوجوان محله آقامصطفی خمینی  
با اراده و همتش افتخار آفریده است

## درخشش روی ۳ سکوی ورزشی

### ● از مدال های دیگری که کسب کرده ای، بگو.

سال گذشته در رقابت های قهرمانی کشتی آیش بانوان استان خراسان رضوی در رده سنی خردسالان مقام سوم را کسب کردم. بهمن سال ۱۴۰۲ هم در ششمین دوره مسابقات شنای انجمن کارگران استان خراسان رضوی مقام سوم را در رشته شنای قورباغه کسب کردم. چندین مدال استانی دارم و هدفم این است که در مرحله بعد در مسابقات کشوری هم مقام کسب کنم.

### ● چه عاملی باعث موفقیت در این رقابت ها شد؟

قبل از مسابقه ها، هر روز تمرین های فشرده داشتیم. علاوه بر آن، مادرم و خواهرم همیشه به من انگیزه می دهند و حتی وقتی خسته می شوم، من را به ادامه دادن این مسیر تشویق می کنند.

### ● الگویی هم در زندگی داری؟

خواهر بزرگترم، زینب، مربی چند رشته ورزشی و قهرمان کشوری در چند رشته است. تلاشگر و پراکنگیزه است و با تمام سختی هایی که کشیده، همچنان به مسیرش ادامه می دهد. دلم می خواهد مثل او باشم.

### ● به جز ورزش و درس، فعالیت دیگری هم داری؟

عضو فعال مسجد جواد الائمه (ع) در محله هستم. فعالیتیم حالا بیشتر هم شده است. ماهر شب با خانواده به همراه دیگر همسایه ها جلو در مسجد تجمع می کنیم و شعر سر می دهیم.

### ● هدفت برای آینده چیست؟

دلم می خواهد مدال جهانی دریافت کنم و در آینده مربی خوبی شوم؛ مربی ای که استعداد بچه ها را بشناسد و از آن ها حمایت کند.



می خورم، بعد به باشگاه می روم. وقتی برمی گردم، تکالیف مدرسه ام را انجام می دهم. در بقیه ساعت ها هم یا در خانه تمرین می کنم یا درس می خوانم.

### ● اولین مدالی که گرفتی، چه بود؟

تیر سال ۱۴۰۲ مدال طلای استانی را به دست آوردم. این مدال را در مسابقات استانی جودو گرفتم که به مناسبت گرامیداشت دهه ولایت، فدراسیون جودو برگزار کرد. چون اولین مسابقه ای بود که شرکت می کردم، انتظار کسب این نتیجه را نداشتم و برایم خاطره ای شیرین شد.



نیکو عقیده هرکاری را سر وقتش انجام می دهد و برنامه روزانه اش را می داند. روزهای زوج سر تمرین کشتی و جودو حاضر می شود و روزهای فردا به تمرین در کلاس شنا اختصاص می دهد. از شش سالگی، تمرین های ورزشی بخش جدانشدنی روزهایش شده اند؛ روزهایی پر از تلاش، نظم و هدفمندی. محیا عزیزفرخانی، دختری دوازده ساله از محله آقامصطفی خمینی (کوی عمار یاسر) است؛ ورزشکاری که حالا حساب تعداد مدال هایش را ندارد. اما با پوشه ای قطور از تقدیرنامه ها و کیفی پر از مدال های رنگارنگ، سر مصاحبه حاضر می شود تا از مسیری که طی کرده است، برایمان بگوید.

### ● چطور وارد دنیای ورزش شدی؟

از دوران کودکی تحرک و ورزش را دوست داشتم. این علاقه ذاتی باعث شد که مادرم مرا در شش سالگی در کلاس کیک بوکسینگ ثبت نام کند. تاده سالگی این رشته را ادامه دادم اما بعد به رشته های دیگری علاقه مند شدم.

### ● رشته های ورزشی مورد علاقه ات چیست؟

شنا را از دیگر رشته های بیشتر دوست دارم. فعالیت در آب برایم آرامش بخش است. حالا چهار سال است که به طور جدی در این رشته فعالم. سه سال پیش در دوره رشته کشتی آیش و جودو هم ثبت نام کردم.

### ● برای درس چقدر وقت می گذاری؟

هر روز وقتی از مدرسه به خانه برمی گردم، ناهار

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهیدرستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌بیست، شهیدرجایی

## محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



اهالی پای کار، پیش از شروع مراسم در خیابان حاضر شده‌اند و هر کدام گوشه‌ای از کار را بر عهده گرفته‌اند. بانوان محله هم بخشی از این ماجرا هستند. خدیجه عابدینی و اعظم و مریم اصغری اهالی این محله هستند که از ساعاتی قبل مشغول پختن حلوا شده‌اند. خدیجه عابدینی می‌گوید: شهید از جان‌شان مایه گذاشتند؛ کمترین وظیفه ما این است که یادشان را گرامی بداریم و هر طور می‌توانیم، صحنه را خالی نکنیم.



مهدی غریبی خودش را دوست، همکار و برادر حسین معرفی می‌کند. با چشم‌های خیس از اشک به عکس حسین نگاه می‌کند و می‌گوید که رفتن دوستش را باور نمی‌کند. او از هشت سال رفاقت و همکاری‌شان در بیمارستان هاشمی نژاد مشهد روایت می‌کند. از اینکه شهید همیشه داوطلبانه برای خدمت به هم وطنانش آماده بوده است. مهدی می‌گوید: در جنگ دوازده روزه هم حسین برای خدمت داوطلبانه به تهران سفر کرد تا کنار هم وطنانش باشد.



مراسم وداع با پیکر شهید حسین عشقی با حضور پرشور اهالی محله چهنو برگزار شد



## بدرقه پرستار وطن

نیکو عقیده! به هر کدام از کوچه پس‌کوچه‌های محله چهنو که قدم می‌گذارم، تصویری از او به چشمم می‌خورد. اگرچه حالا که رفته، بیشتر شناخته شده است. اما بودنش هم به اندازه رفتنش کیفیت داشت. «حسین عشقی» پرستار شهید این محله، ۲۹ سال بیشتر نداشت. مرد خانواده بود، همسری فداکار و پدر فرزند خردسال دوساله‌اش؛ شهروند دغدغه‌مند و وطن‌دوستی که داوطلبانه به تهران رفت تا کنار هم وطنانش خدمت کند. او صبح روز ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ بر اثر حمله پهپاد دشمن، به درجه رفیع شهادت رسید. اهالی چهنو در شب ۱۹ فروردین، برای تشییع پیکر پاک او در خیابان شهید صدوقی ۱۲ مقابل منزلش جمع شدند تا مراسم وداع را پرشور و باشکوه برگزار کنند. پیکر این شهید والا مقام در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. هفته آینده گفت‌وگوی شهرآرامحله با خانواده معظم شهید منتشر خواهد شد.



کودکان و نوجوانان هم کنار بزرگ‌ترها مسئولیت‌هایی را بر عهده گرفته‌اند. امیرحسین قاسمی، نوجوان سیزده‌ساله ساکن چهنو، یکی از همین افراد است که زمان آوردن پیکر مطهر شهید محله، جلو جمعیت پرچم سبز بزرگ «اللهم عجل لولیک الفرج» را تکان می‌دهد. او توضیح می‌دهد: هر شب در تجمعات انقلابی محلی کنار پدر و مادرم شرکت می‌کنم و امشب برای بدرقه همسایه شهیدمان به این مراسم آمده‌ام.



عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

جمعیت لحظه به لحظه بیشتر می‌شود؛ مردم برای بدرقه شهید از محله‌ها و نقاط دور و نزدیک شهر به اینجا آمده‌اند. اهالی با چشم‌های خیس، پیکر شهید را روی شانه‌هایشان در محله می‌چرخانند. بعد از این مراسم سخنرانی آغاز می‌شود و جمعیت، شعار «مرگ بر آمریکا، و مرگ بر اسرائیل» سر می‌دهد.